



اثرات معکوس اهانت به مقدسات دیگر مذاهب

دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتایی اعلام داشتند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به

همسر پیامبر [عایشه] حرام است» (۱).

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی تأکید کرد: پرخاشگری در برابر بیگانگان اثر منفی دارد و انسان باید با دلایل محکم مطالب خود را مطرح کند تا پیروز شود.

این مرجع تقلید در جلسه درس خارج فقه خود که ایستنا خبر آن را منتشر کرد با اشاره به روش امام صادق (علیه السلام) گفت: امام صادق (علیه السلام) با دشمنان اسلام با دلایل عقلی مباحثه می‌کردند و ما نیز با غیر مسلمان نمی‌توانیم با کتاب و سنت بحث کنیم و باید با دلایل عقلی مباحثه کنیم. آیت الله مکارم شیرازی در ادامه خبر داد: اخیراً یک روحانی نما، آدم بی‌سواد، مجنون و مزدور به نام شیعه، فحاشی عجیب به همسران پیامبر اکرم (ص) کرده و به مقدسات برخی مذاهب اهانت بسیاری داشته و نسبت ناروای عجیبی به همسران پیامبر (ص) داده است. این

مدرس خارج فقه حوزه تأکید کرد: این آدم یا

مزدور و مأور بوده و یا سفیه و دیوانه

است و از آنها نادان‌تر برخی علمای

و هابیه هستند که این سخنان را

مستند کرده‌اند. او ادامه داد: در

حالی که صدها عالم شیعی این

اقدام را محکوم کرده‌اند، آنها

حرف این آدم مزدور و مأور را

قبول کرده‌اند.

آیت الله مکارم شیرازی با محکوم

کردن اهانت به همسران پیامبر گفت: اینها فراموش کرده‌اند که امام راحل سلمان رشدی را به دلیل کتاب آیات شیطانی مرتد دانست و در بخش مهمی از این کتاب نسبتهای بدی به زنان پیامبر داده شده بود.

این مرجع تقلید تأکید کرد: باید مراقب باشیم با دلیل و منطق حرفهای خود را بزنیم ولی در عین حال نباید کاری کنیم که موجب اختلاف شود. او ادامه داد: آنها کتابهای فراوان شیعه و علمای شیعه را نادیده گرفته و حرف یک آدم دیوانه را مورد توجه قرار می‌دهند. امیدواریم که مسلمانان گرفتار توطئه‌های دشمنان نشوند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی تأکید کرد: غزه بخشی از سرزمینهای اسلامی که مدت زیادی است که به محاصره درآمده و مردم آن نیز شیعه نیستند و بیشترین دفاع را ما ایرانیان که شیعه هستیم از آنها داشته‌ایم، آنها دلشان برای مردم غزه نمی‌سوزد ولی به حرف یک فرد جاهل گوش می‌دهند. او گفت: علمای اسلام باید به هوش باشند و توطئه‌های دشمن را خنثی کنند و نگذارند در اثر حرکت فردی نادان جنگ داخلی بین مسلمانان ایجاد

شود و باید روش امام صادق (علیه

السلام) را در بحثهای دینی و مذهبی

بگیریم. (۲)

یکی از حقوق اجتماعی بر

جامعه‌ای حرمت نمادهای آن

جامعه است که باید حرمت

نمادهای دیگران را نگاه داشت

تا حرمت مقدسات ما نگاه داشته

شود، چنان که در قرآن می‌خوانیم





حتی به خدایان کفار توهین نکنید تا مبادا به خدای شما بدگویی شود. (۳)

کسانی که به مقدسات دیگر مذاهب اهانت می‌کنند، باید بدانند که این نشانه ضعف و زبونی، جهالت و نفس شیطانی خود بر تریبی آنان می‌باشد. صد در صد به ضرر مذهبشان خواهد بود زیرا:

۱- سب و اهانت مانند کبوتر نامه‌رسانی است که به هر کجا روانه کنند به سوی صاحبش بازمی‌گردد از این رو پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من اکبر الکبائر ان یسب الرجل والدیه قالوا یا رسول الله یسب الرجل والدیه؟ قال یسب ابا الرجل فیسب الاخر ابا» (۴) از بزرگ‌ترین گناهان کبیره این است که شخص پدر و مادر خود را سب یا ناسزا گوید، پرسیدند: ای پیامبر خدا چگونه شخص پدر و مادرش را سب می‌کند؟ فرمودند: پدر شخصی را سب و ناسزا می‌گوید و آن شخص پدر و مادر وی را به باد سب و ناسزا می‌گیرد.

این جهان کوه است و فعل ما ندا/ سوی ما آید نداها را صدا (مولوی).

۲- فرقه افراطی سبیه در شیعه مانند فرقه تکفیر در اهل سنت هستند. زیرا همان‌طور که مرحوم فیض کاشانی می‌نویسد: صفات مقتضی لعن عبارت است از کفر، بدعت و فسق. (۵) بنابراین وقتی کسی را لعن می‌کنیم در حقیقت وی را تکفیر و تفسیق و اهل بدعت دانسته‌ایم.

۳- در طول تاریخ سب و لعن به اشخاص و مقدسات ملتها جز برافروخته شدن جنگها و کشتارهای فراوان هیچ نتیجه‌ای نداشته است به عنوان نمونه:

این اثیر در حوادث سال ۴۰۷ ق می‌نویسد: «در این سال شیعیان در جمیع آفریقا به اتهام سب شیخین قتل عام شدند». (۶)

۴- سب و توهین به مقدسات مذاهب در طول تاریخ مهم‌ترین وسیله برای پاره پاره کردن اسلام و ایجاد تفرقه و جدایی میان مسلمانان است که در آیات متعدد به شدت از آن نهی شده و باعث خروج از دین محمدی و پیوستن به مشرکین است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا لَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۷) «کسانی که در دین خود تفرقه افکندند به هیچ وجه از تو نیستند». «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (۸) «و از مشرکین نباشید یعنی کسانی که در دین خود تفرقه افکندند».

۵- سب و بدگویی به مقدسات مذاهب با شعار وحدت و تقرب که قرآن و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) و عالمان راستین و همه ما به آن تأکید

دارند، به هیچ وجه قابل جمع و توجیه نیست، بلکه ما را منافق جلوه گر می‌سازد.

۶- در اوایل قرن نهم قمری دولت صفویه توسط شاه اسماعیل تأسیس گردید. وی با اینکه نیاکانش «شیخ صفی الدین اردبیلی» سنی بودند، به مذهب شیعه روی آورد و آن را مذهب رسمی اعلام کرد و تحت تأثیر قزلباشیان افراطی گفت خلفای سه‌گانه را لعن کنند و به قتل و آزار سنیان پردازند. (۹)

سلطان سلیم پادشاه عثمانی، شاه اسماعیل را دعوت به توبه و ترک لعن کرد، ولی شاه اسماعیل به علت تعصبی که داشت نپذیرفت و این سب و لعن باعث شد جنگهای ممتد میان دو دولت عظیم و با قدرت اسلامی (ایران و عثمانی) پدید آید و علمای دربار عثمانی، شیعیان را تکفیر و کشتار آنان را مباح گردانند. (۱۰)

و از این طرف نیز علمای دربار صفوی با نوشتن کتابهایی، اهل سنت را کافر، و سب و لعن و تبری از خلفای سه‌گانه را در نظر مردم امری واجب جلوه دهند.

سرانجام جنگ خونین چالدران در اثر سب و لعنها به راه افتاد و در نتیجه دهها هزار شیعه در این جنگ کشته شدند و تبریز را که پایتخت بود از دست دادند.

شکست شاه اسماعیل در چالدران باعث شد که قزلباشان که هاله‌ای از تقدس برای وی قائل بودند و شعار می‌دادند که اشهد ان لا اله الا الله و ان اسماعیل ولی الله و حکومت وی را حکومت امام زمانی می‌دانستند، ایمانشان را از دست بدهند و از او ببرند و به انتقاد پردازند و شاه اسماعیل متوسل به علمای جبل عامل شد. (۱۱)

۷- بالأخره هر دو دولت ناچار شدند دستور قرآن را که می‌فرماید: «لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ» زیر پا بگذارند و برای از بین بردن یکدیگر با سلاطین اروپا دوست شوند و با اسلحه‌های یهود و نصاری به برادر کشی پردازند، و این بار چهارصد و چهل هزار و بنا به بعضی اقوال هفتاد هزار شیعه را در آناتولی به کشتن دهند.

۸- جنگهای ایران و عثمانی که زائیده سب و لعن بود باعث شد که در زمان سلطان سلیم، مذهب تشیع عملاً در مملکت عثمانی از بین برود. (۱۲)

۹- سب و لعن به اشخاص و مقدسات دیگر ملتها نیز موجب گشت که در سال ۹۴۰ ق عراق از دست ایرانیان خارج شود و شیوخ دربار عثمانی فتوی به قتل شیعه دهند و هر دو ملت ایران و ترکیه که قوی‌ترین دول شرق بودند رو به ضعف و انحطاط رفته سست شوند. (۱۳)

و سرانجام اصفهان پایتخت صفویان به دست اشراف افغان





سقوط کند و مایه سرافکنندگی ایرانیان و شیعیان گردد.

۱۰- کتاب لعنیه شیخ علی عال که درباره لعن بر خلفا و اهل سنت

بود، حسین عبدالله شیروانی

را برانگیخت که رساله‌ای به نام

«الاحکام الدینیّه» بنویسد و در آن

چنین فتوی دهد: «شیعیان از کفار و مشرکان بدترند

بنابراین کسی که یک نفر از این طایفه ملعونه مشرک را بکشد گویا هفتاد نفر از کفار حربی بلکه بیشتر را به قتل رسانده است».

وی کشتن فرزندان شیعه را نیز تجویز کرد و به همه مسلمانان اعلام جهاد علیه شیعه داد. (۱۴)

۱۱- از علامه قمی دبیر کل دارالتقریب شنیدم که می‌گفت: شیخ عبدالمجید سلیم مفتی و شیخ الازهر اسبق مصر که تحت تأثیر فقه اهل بیت (علیهم السلام) قرار داشت ده سال قبل از شاگردش شیخ محمود شلتوت در صدد بود که فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه صادر کند و اگر با آن موقعیت عظیم علمی که داشت این فتوی به دست وی صادر می‌شد بسیار با ارزش تر بود.

در همان موقع که شیخ عبدالمجید سلیم، مشغول تهیه مقدمات صدور این فتوی بود، ناگهان پست برای ما بسته‌های محتوی کتابی آورد که عنوان آن: «نفحات الالهوت فی لعن الجبت و الطاغوت» بود و مقصودش از جبت و طاغوت شیخین بود که در متن کتاب به آن تصریح شده بود. این کتاب به یکی

از علمای شیعه دوره صفویه نسبت داده شده بود. بالأخره این کتاب لعنیه توسط ایادی استعمار چاپ و توسط پست برای تمام اعضا دارالتقریب فرستاده شد و عجیب این بود که هر کدام از این بسته‌ها از کشورهای مختلف اروپایی فرستاده شده بود و معلوم نبود که مبدأ کدام یک از این کشورها است و عجیب تر اینکه کتابها نه تاریخ چاپ داشت نه اسم چاپخانه و نه نام کشوری که این کتاب در آن چاپ شده بود. اما از تمبرهای بسته‌ها معلوم بود که از اروپا ارسال شده است. آری دشمن استعمارگر فهمیده بود که چگونه آتش فتنه را با این کتاب سب و لعن روشن کند و چون احتمال می‌دادند که شاید این کتابها توسط دارالتقریب به رجال تقریب نرسد، ناگهان متوجه شدیم که پست دیگری رسید و مجدداً همان کتاب را برای تمام اعضا تقریب به آدرس منازلشان با پست سفارشی فرستاده‌اند. توزیع این کتاب فتنه و هنگامه‌ای برپا کرد. در اولین

جلسه‌ای که رجال تقریب به دنبال آن بسته‌ها جمع شدند، همه فوق‌العاده عصبانی بودند به طوری که از سلام و علیک گرم خودداری کردند. ناگهان قیل و قالی در گرفت و نسخه‌ای از کتاب را روی میز گذاشتند و گفتند: ما آمده‌ایم اینجا چه کار کنیم؟ ما چه الزامی داشتیم که با مواجعه کردن خود با انواع گرفتاریها از شیعه‌ای دفاع کنیم که این چنین نسبت به اصحاب بدگویی می‌کند و تا چه حد پایش را پیش گذاشته است؟ و آن‌گاه فرازهایی از آن کتاب را نقل کردند، پس از پایان سخنان اعضا، شیخ الازهر عبدالمجید سلیم، به پا خاست و گفت:

ای برادران! اگر کسی پدران شما را سب و لعن کند او را از اسلام خارج می‌دانید و برادری خود را با او قطع می‌کنید؟ همه گفتند نه، آن‌گاه شیخ افزود: اصحاب نیز پدران روحانی ما هستند و اگر کسی نسبت به بعضی از اصحاب دچار بدبینی بوده به آنها ناسزا گوید موجب خروج وی از اسلام و برادری اسلامی نخواهد گشت. افزون بر اینکه اگر این مصائب و تفرقه و جدایی‌ها نبود که لزومی نداشت ما در اینجا دور هم جمع شویم و آیا هیچ فکر کرده‌اید که این کتابها چگونه و از کجا برای ما ارسال شده است؟ آیا به تمبرهای آن که از کشورهای اروپایی است هیچ توجه کردید؟

بالأخره شیخ عبدالمجید سلیم آنان را آرام ساخت اما این توطئه کتاب لعنیه باعث شد که شیخ نتواند فتوای تاریخی خود را مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه صادر کند و این کار ده سال به تأخیر افتاد تا به دست شاگردش شیخ محمود شلتوت انجام گرفت. (۱۵)

۱۲- از آیت الله سید محمدباقر حکیم شنیدم که می‌گفت: «پدرم آیت الله العظمی سید محسن حکیم مرجع عالیقدر شیعه (ره) فرمودند: سب و لعن بزرگ‌ترین مانع پیشرفت شیعه در جهان است».

و ما در عصر حاضر می‌بینیم که با پیروزی انقلاب اسلامی، و روی آوردن علمای جهان اسلام به فقه با عظمت اهل بیت چگونه دستهای پنهان استعمار با انتشار کتب مطاعن و لعنیه، دیگران را برمی‌انگیزند تا صدها کتاب علیه شیعه بنویسند و جلوی پیشرفت شیعه را بگیرند. همچنان که توسط افراد نادان مجالس لعنیه برپا و آن را ضبط می‌کنند و نوار آن را برای علمای اهل سنت سایر بلاد می‌فرستند و آنان را چنان عصبانی می‌کنند که بلافاصله چنین فتوی می‌دهند





که: «شیعه کافر است و هر کس در کفر شیعه شک کند آن هم کافر است».

۱۳- سب و لعن بعضی از شیعیان پاکستان باعث شده که در برابرشان سپاه صحابه تشکیل شود و هر روز بعد از نماز به سب و لعن امام خمینی (ره) پردازند و شیعیان را واجب القتل بدانند و هر سال بسیاری از شیعیان را به قتل برسانند.

۱۴- در حج سال ۱۳۳۸ ق یکی از علمای شیعه قطیف عربستان که به دیدار بعثه بعضی از مراجع عظام در مدینه آمده بود و بنده در آن جمع حضور داشتم با ناراحتی اظهار داشت که شما در ایران در امنیت کامل به سر می برید و گروه لعنیه کتابهای مطاعن می نویسند و مجالس لعنیه برپا می کنند و اظهار می دارند که دوران تقیه تمام شده است و نمی دانند که چویش را ما عربستان و پاکستان و سایر بلاد می خوریم.

۱۵- افراط گری مذهبی در داخل ایران در دوره صفویه و باز بودن دست آنها در طعن بر مخالفان در برافروزی جنگ مؤثر بود اما اشکال مهم تر این بود که شیعیان نقاط دیگر مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند.

مرحوم میرزا محمد تنکابنی (د ۱۳۰۲ ق) در کتاب قصص العلماء می نویسد: سب در ایران هرگز نبود در روزی که محقق کرکی (د ۹۴۰ ق) (در عصر شاه طهماسب) وارد اصفهان شد و به مسجد آمد پس از نماز یکی از شاگردان وی بر منبر رفت و به سب مخالفین پرداخت، و تا آن زمان کسی در بلاد تجاهر به سب نمی نمود. علمای شیعه که در مکه بودند به علمای اصفهان نوشتند:

«أَنْكُمْ تَسُبُّونَ أُمَّتَهُمْ فِي أَصْفَهَانَ وَ نَحْنُ فِي الْحَرَمِ نَعَذَّبُ بِذَلِكَ وَ لَعْنُ وَ السَّبِّ»؛ شما در اصفهان پیشوایان آنان را سب می کنید و ما را که در حرمین شریفین می باشیم به سب این سب عذاب و سیاست می نمایند. (۱۶)

سید نعمت الله جزائری می نویسد: هر کجا شیخ علی بن عبدالعالم می رفت، شاه عباس در رکاب او گام برمی داشت و علناً شیخین و کسانی را که به طریقه آنان بودند لعن می کردند و چون پادشاهان سنی متوجه شدند فتنه میان سلاطین به پاخاست و چه بسیار خونها ریخته شد و ثروتها از دست رفت، ولی شیخ بهایی، ملاحظه این امور را می نمود و با سایر مذاهب به نیکویی معاشرت می کرد. (۱۷)

۱۶- قتل عام شیعیان بخارا در اثر کتابهای فرقه لعنیه که خود را شیعه می نامیدند اما نه از خدا پیروی می کردند که می فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (۱۸) و نه از حضرت امیر پیروی می کردند که می فرماید: «أَبَى أَكْرَهَ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ» (۱۹) و كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ، شَتَّامِينَ».

و نه از امام صادق (علیه السلام) که تقیه و تقوی از سب و لعن را تا به روز قیامت مانند نماز واجب دانسته اند. (۲۰) بلکه شیعه و بنده تعصبات خویش بودند و چون در شهر خود، خود را در امان می دیدند کتاب لعنیه می نوشتند و منتشر می کردند. غافل از اینکه این کتاب امروز یا فردا دیر یا زود به نقاط مختلف می رود و متعصبان دیگر مذاهب را برمی انگیزد و چویش را شیعیان سایر بلاد و یا شیعیان نسلهای بعد می خورند، به عنوان نمونه:

در سال ۱۳۲۸ ق یکی از علمای شیعه بخارا جریان قتل عام شیعیان آن سرزمین را طسی نامه ای برای مرجع و رهبر شیعیان آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی چنین گزارش می دهد:

«... لابد اخبارات اینجا به سمع مبارک رسیده است که اهل عامه حکم به کفر و امر به قتل و غارت ما طایفه مردان و زنان دادند و اطفال هشت ماهه را بیرون آورده پاره پاره نمودند، بعضی از دخترها را به کنیزی بردند و دکاکین و خانه های ما را غارت نمودند در میان کوجه و بازار فحش و دشنام دادند و تهمت ها بستند، الی الان هم فارغ از بلیه نیستیم، بعد از این هم معلوم نیست که حال ما چگونه خواهد بود، سبب این گونه صدمات به ماها از بی تقیه گی حضرات مصنفان و مؤلفان و نویسندگان چاپخانه ها می باشد.

توقع از ارباب نوع، اینکه امر بفرمایند تا لعن و طعن را از کتب بردارند و چیزی که باعث بر این گونه صدمات و ابتلائات می شود ننویسند، تا باعث نجات چندین کرور نفس در خارجه بشود. به جهت زیادی مترددین و نزدیکی راهها، غالب کتب به دست اهل عامه افتاده، باعث این فساد گردیده است و السلام» (۲۰)

همواره در طول تاریخ کسانی که حب شهرت ریاست داشته ولی مایه علمی نداشته اند کوشیده اند تا با زنده کردن اختلافات تاریخی و سب و لعن و فحاشی به این و آن خود را مدافع اهل بیت (علیهم السلام) جلوه دهند، و از آن سو شیطان و استعمارگران که به دنبال بلعم باعورها هستند آنها را تشویق می کنند، تا با نشر کتب سبیه و لعنیه سایر مسلمانان را برانگیزند تا کشت و کشتار به راه بیندازند. نامه زیر هشدار است از سوی عالمی دلسوز از افغانستان. آیت الله محمد اصف محسنی، رئیس شورای علمای شیعه



افغانستان، با ارسال نامه‌ای به مراجع عظام تقلید در قم، نسبت به چاپ بعضی کتابهای تفرقه‌انگیز توسط افراد مشکوک هشدار داد و خواستار جلوگیری از انتشار چنین کتابهایی شد. وی در این نامه نوشته است: شورای علمای شیعه افغانستان به اطلاع حضرات عالی می‌رساند که در عصر حاضر به تشخیص شما بزرگان علم و عمل، اتحاد مسلمانان و همکاری صمیمانه بین پیروان مذاهب اسلامی یکی از بزرگ‌ترین ارکان حمایت از دین مقدس اسلام است. ولی متأسفانه گاهی دشمنان اسلام و گاهی دوستان جاهل در چندین کشور اسلامی با تألیف کتب موجب اشتعال آتش خشم و کینه و حتی سبب خون‌ریزی بین برادران مسلمان می‌گردند. اخیراً دو کتاب بسیار خطرناک در شهر مقدس یا شهر قم یا شهر دیگر به طبع رسیده که اگر نسخه‌هایی از آن دو کتاب را به کشور ما و یا کشورهای همسایه بیاورند جز خون‌ریزی و تشدید کینه و عداوت بین مسلمانان اثر دیگر نخواهد داشت و مسلماً این کار مخالف حکم عقل و مصالح مسلمانان و خلاف دستورات ائمه اهل‌البیت (علیهم‌السلام) می‌باشد. که مسلماً شما هم به آن راضی نیستید. به علاوه که دولت جمهوری اسلامی ایران سالانه مقادیر قابل توجهی از بیت‌المال مردم ایران را در راه تقریب پیروان مذاهب اسلامی به مصرف می‌رساند که، طبع و نشر این‌گونه کتابها آثار مثبت این کفرانها را از بین می‌برد و بدتر اینکه افراد مقیم شرق و جنوب و غیره ایران را که اهل سنت هستند، شدیداً ناراحت می‌نماید که چه بسا پیامدهای خطرناکی برای کشور ایران در پی داشته باشد. رئیس شورای عالی علمای افغانستان، نامه خود را با این جمله به پایان برده است: «چنانچه صلاح بدانید در جمع‌آوری نسخه‌های این دو کتاب و جلوگیری از طبع امثال این کتب به خاطر مصالح ملی کشور خود و حفظ مادی مؤمنان و اتحاد مسلمانان سفارسی آکید به مسئولین دولتی بفرمایید». (۲۱)

دشنام تو سر به سر شنیدم / امکان مقاومت ندیدم
با مثل تو کرده به مدارا / تا وقت بود جواب ما را
آن روز که از عمل بیفتی / با گوش تو آید آنچه گفتی
(سعدی).

ادب بزرگان شیعه نسبت به دیگران

به طور کلی اکثر علمای دوران آل بویه و شاگردان آنان شیعه اصولی و اعتدالی بودند و از سب و لعن به اشخاص و مقدسات دیگران خودداری می‌کردند و آراء و نظر اصحاب و تابعین و پیشوایان مذاهب اسلامی را به دور از طعن و توهین، نقل می‌کردند و به فقه مقارن و تفسیر مقارن،

اهمیت می‌دادند، که نمونه آن کتاب *الناصریات* سید مرتضی و *الخلافت و تفسیر تبیان* شیخ طوسی و مجمع البیان و کتاب *المؤتلف من المختلف* شیخ طبرسی است.

در نتیجه بسیاری از اساتید و شاگردانشان که از سایر مذاهب اسلامی بودند، بیشتر به محاسن کلام اهل بیت و فقه با عظمت عترت پی می‌بردند و این روش آنچنان خردمندانه بود که در دوران آل بویه جمعیت شیعیان بر اهل سنت فرونی یافت.

اکنون به عنوان نمونه با ادبیات چند تن از بزرگان شیعه نسبت به دیگر مذاهب آشنا می‌شویم:

۱) شیخ رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ ق)

ابوالحسن محمد بن طاهر بن حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم فرزند امام موسی کاظم (علیه السلام) معروف به شریف رضی نزد بسیاری از علمای شیعه و سنی به کسب علم و دانش پرداخت. مانند قاضی عبدالجبار معتزلی شافعی، ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی، ابواسحاق طبری مالکی و شیخ مفید و به تدوین *نهج البلاغه* امام علی (ع) همت گماشت. او دارای دیوان شعری است که در آن بهترین اشعار را در مدح اهل بیت و قصائدی درباره عاشورا سروده و در آن با احترام از اصحاب یاد می‌کند و در قصیده‌ای به مناسبت سفر حج و زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم (ص) می‌گوید: «مرقد پیامبر خدا (ص) را زیارت کردم و مردان خفته در کنار ایشان را نیز از یاد نبردیم».

و زرنا رسول الله ثم بعیده / قبور رجال
ما سلونا مصابها. (۲۳)
شریف رضی، *نهج البلاغه* را آلوده به سب و لعن نکرد و در نتیجه این کتاب شریف، محدود به استفاده شیعیان نگشت. بلکه علمای اهل سنت مثل ابن میثم بحرانی و ابن ابی‌الحدید و شیخ محمد عبده و صبحی صالح بر آن شرح نوشتند و آن را مورد استفاده همه مسلمانان جهان قرار دادند.

۲) سید مرتضی علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق)

سید مرتضی در *مسائل الناصریات* به روایات اصحاب و همسران پیامبر تمسک می‌جوید. به عنوان نمونه، در مسئله ۳۹ به روایت ام سلمه (۲۴) و در مسئله ۴۰ به روایت عایشه و گفته عمر بن زید بن ثابت (۲۵) و در مسئله ۸۵ به روایت ابوهریره (۲۶) و در مسئله ۱۴۲ به روایت عایشه (۲۷) استدلال می‌کند.

روش سید مرتضی (ره) موجب شد که علمای بی‌شماری



از اهل سنت از محضر درس و کتابهای وی استفاده فراوان کنند. (۲۸)

سید مرتضی عادت به رعایت ادب با دیگران را داشت و در کتابش *الناصريات* به هنگام نقل آراء مذاهب به صاحبان دیگر مذاهب نسبت بدعت نمی دهد و به آنان طعنه نمی زند (۲۹) و از این رو اهل سنت همه او را مدح و ثنا می گفتند و همه مذاهب وی را از خود می دانستند. (۳۰)

۳) شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)

شیخ ابوجعفر طوسی از اعظم علمای شیعه ملقب به شیخ الطایفه و شیخ الاسلام، فقیه، اصولی مجتهد، متکلم، محدث و مفسر و ادیب بود و در حالی که عالم به فقه امامیه و از بزرگ ترین روات شیعه بود، فقه مذاهب اهل سنت را به خوبی می دانست و دارای فقه مقارن تحت عنوان کتاب *الخلاص* بود و به روش امامی و سنی عالم به فقه و اصول بود.

و کتابهای او *دائرة المعارف فقهی و علمی و تفسیری* و *درس فقه مقارن* مشتمل بر فقه امامی و سایر مذاهب اسلامی بود. (۳۱)

روش شیخ طوسی باعث شد که وی نه تنها در میان شیعیان به عنوان شیخ الطایفه بلکه در جهان اسلام به عنوان «شیخ الاسلام» مورد استفاده واقع شود. تا جایی که بسیاری از مورخان و علما مانند سیوطی در *طبقات المفسرین* و سبکی در *طبقات الشافعیه* و چلبی در *كشف الظنون* وی را جزء علمای شافعی بشمارند (۳۰) و برخی مانند رضا کحاله او را شیعی شافعی معرفی کنند. شیخ طوسی (ره) روایت موثقی را از امام علی (علیه السلام) راجع به اصحاب نقل می کند که به یاران خود فرمود:

«أوصیکم فی اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لا تسبوهم فانهم اصحاب نبیکم...»
شما را در مورد اصحاب پیامبر خدا (ص) سفارش می کنیم، آنان را سب نکنید که اینان اصحاب پیامبر شما هستند، اصحابی که در دین بدعتی نگذاشتند و بدعت گذاری را احترام نکردند، آری رسول خدا در مورد اصحاب به من سفارش فرمود. (۳۲)

۴) طبرسی (د ۵۳۸ق)

ابوالفضل بن حسن طبرسی یکی از فقها و مفسران بزرگ شیعه است. که در تفسیرش (*مجمع البیان*) و فقه مقارنش (*المؤتلف من المختلف*) در هر بحثی آراء و نظریات اصحاب و علمای سایر مذاهب را در کنار مذهب اهل بیت بدون تعصب و طعن عرضه می دارد که گویا با پیروان همان

مذهب سخن می گوید و گفتارش با اخلاص تمام پیرامون حق دور می زند، گاهی نظریه مذهب خود و گاهی نظر غیر مذهب خود را ترجیح می دهد.

روش طبرسی باعث شده که بزرگ ترین شیخ الازهر مصر، مراغی کبیر درس تفسیر مقارن را با استفاده از آن در الازهر دائر کند و شیخ عبدالمجید سلیم پیشنهاد چاپ تفسیر *مجمع البیان* وی را به عنوان بهترین تفسیر عالم اسلام دهد و با مقدمه شیخ محمود شلتوت و پاورقی علمای بزرگ الازهر در مصر چاپ و مورد استفاده جهان اسلام قرار گیرد. (۳۳)

و آلوسی بغدادی در تفسیرش (*روح المعانی*) به عنوان مأخذ از آن استفاده کند. (۳۴)

وی با سب و لعن صحابه مخالف است و در تفسیر آیه «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (۳۵): «و به مردم به نیکی سخن گوید» از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: به مردم بهترین چیزی را که دوست دارید به شما گفته شود بگویند.

خداوند دشمن دارد لعن کننده دشنام دهنده، طعن زننده بر مؤمنان را و دشمن دارد فحش دهنده و سائل اصرار کننده را؛ و دوست دارد بردبار با شرم عقیف خویشتن دار را. و از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که «نهی رسول الله (ص) عَنْ أَنْ تَسَبَّ قَتْلَى بَدْرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». پیامبر خدا (ص) [حتی] از سب و بدگویی نسبت به کشته شدگان بدر که از مشرکان بودند نهی فرمودند و گفتند آنان را سب نکنید که چیزی از سخنان شما به آنان نخواهد رسید و تنها بازماندگان آنان را آزرده می سازد. (۳۶)

۵) عبدالجلیل قزوینی رازی

عبدالجلیل قزوینی در حدود سال ۵۶۰ق در کتاب *نقض* در برابر اتهام دشمنی شیعه با اصحاب و تابعین می نویسد: «شیعه اصولی بدین تهمت متهم نبوده اند و هر صحابه را که خدای و رسول دوست داشته اند، قبول کرده اند و مرید باشند. و در پاسخ نسبت صاحب فضایح به سید مرتضی در کتاب *الارشاد* که گفته: پس از رسول خدا (ص) همه صحابه مرتد شدند الا هفت نفر می نویسد:

اولاً کتاب *الارشاد* از شیخ مفید است و ثانیاً چنین حدیثی در این کتاب نیامده و ثالثاً نظر مذهب شیعه (اصولی) آن است که کسی مرتد نشد و ارتداد به مذهب شیعه بعد از ثبوت ایمان روا نباشد. پس چون رسول (ص) بگذشت همه همان بودند که بودند». (۳۷)



۶) علامه حلی (د ۷۲۶ق)

علامه حلی (د ۷۲۶ق) در مجلس خدابنده با عالمان سنی مناظره می‌کرد اما در بحث مطلقاً به راه تعصب نمی‌رفت و گذشته از این خدابنده را پس از تشیع به دوست داشتن همه اصحاب پیغمبر می‌خواند، شگفت اینکه شیعه پس از آمدن مغول پرچم عدم تعصب برافراشتند و ادامه این حالت در علامه حلی به اوج خود رسید. (۳۸)

۷) آیت الله العظمی میرزا فتح الله الشریعه اصفهانی (د ۱۳۳۹ق)

از علما و مراجع بزرگ شیعه در سده چهاردهم قمری، همان‌طور که عین عبارت ایشان را در اصناف شیعه ذکر کردیم. در مورد شیعه سبیه و غالیان شیعه کلمه العیاذ بالله و در مورد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کلمه سلام الله علیه و در مورد خلفای راشدین، کلمه رضی الله عنهم را به کار می‌برد. (۳۹)

۸) آیت الله العظمی کاشف الغطاء

آیت الله العظمی شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء یکی دیگر از مراجع بزرگ شیعه با مطاعن و سب و لعن صحابه مخالف است و در مقاله خود که در مجله رساله الاسلام چاپ شده می‌نویسد:

«شاید کسی بگوید سبب دشمنی میان شیعه و سنی این است که شیعه هتک حرمت خلفا را جایز شمرده و آنان را مورد طعنه و بدگویی قرار داده است. پاسخ اینکه این رأی و عقیده تمام شیعیان نبوده بلکه عقیده شخصی برخی از آنان است و چه بسا بیشتر آنان بر این امر موافق نیستند زیرا در اخبار پیشوایان شیعه از این عمل نهی شده است. بنابراین صحیح نیست که به خاطر روش نکوهیده بعضی از افراطیها با تمام شیعیان دشمنی ورزید.» (۴۰)

علامه کاشف الغطاء در کتاب جنة المأوی راجع به نهم ربیع می‌نویسد: شادی شیعه در این روز به جهت آن است که چون امام حسن عسکری (علیه السلام) بنا به اصح روایات روز هشتم ربیع الاول وفات یافتند، روز نهم سرآغاز امامت حضرت مهدی (علیه السلام) است و اینکه برخی آن را روز قتل کسی گرفته‌اند، همان‌طور که سید بن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده روایتی که بتوان بر آن اعتماد کرد وجود ندارد و توضیحاتی که در این باره بعضی ذکر کرده‌اند کاملاً بعید است و ما در نجف اشرف با این رسم زشت سالها مبارزه و مردم را موعظه کردیم تا اینکه این منکرات بسیار کاهش یافت و امیدواریم به کلی از بین برود. (۴۱)

۹) آیت الله العظمی سید محمدباقر بحر العلوم

آیت الله العظمی سید محمدباقر بحر العلوم در منظومه فقه خود، سب عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) را حرام دانسته می‌فرماید:

و یا حمیرا سبک محرّم / لاجل عین الف عین تُکرّم.

۱۰) علامه سید عبدالحسین شرف الدین

امام شرف الدین مظهر ادب اختلاف و جدال بالثی هی أحسن بود تا جایی که شیخ الازهر، سلیم بشری حاضر شد که تمام نامه‌های وی را با احترام فراوان بخواند و تا آخر با وی مکاتبه کند، و چون به مکه می‌رود برای نخستین بار همه مسلمانان سراسر جهان به امامت وی در مسجد الحرام نماز بخوانند. (۴۲) و به سبب این تا سالهای بعد زبانزد شیعیان جهان گردد. (۴۳)

۱۱) آیت الله العظمی بروجردی

یکی از علمای قم به نام آقای وکیلی منظومه‌ای در دو جلد در فقه نوشته بود. جلد اول را که چاپ کرد برای آیت الله بروجردی آورد. ایشان با همان شوقی که به مطالعه داشتند شروع کردند به مطالعه کتاب، مؤلف در بیت دهم و یازدهم به خلفا توهین نموده بود ایشان فرمودند: حالا در این شرایط، وقت این حرفها است؟ آن هم به صورت مکتوب در یک اثر شیعی؟ عرض کرد: چه باید بکنم. فرمودند: این بیت را حذف کنید، آن‌گاه مجدداً چاپ کنید مخارج آن هم به عهده من. (۴۴)

۱۲) سید حیدر آملی (د ۷۵۰ق)

سید حیدر آملی (د ۷۵۰ق) در صدد است که فاصله بین تشیع و تصوف را از زبان تاول نشان دهد، و در این باره کتاب تقریبی عالمانه‌ای به رشته تحریر درآورده به نام جامع الاسرار و منبع الانوار که در بحبوحه بحران اندیشه‌های شیعه و سنی و فرق تصوف نگاشته است.

وی در آغاز این کتاب می‌نویسد: در میان طوایف مختلف محمدی، بیشترین اختلاف میان طایفه شیعه و تصوف است با اینکه مأخذ و مشرب هر دو یکی است و هر دو مرجعشان امیرالمؤمنین و فرزندان وی صلوات الله علیهم اجمعین است، یا از طریق کمیل بن زیاد نخعی و یا حسن بصری و شاگرد مخصوص حضرت امیر (علیه السلام) و یا از طریق امام جعفر صادق (علیه السلام) خلیفه، و امام معصوم و منصوص آن حضرت. (۴۵)





۱۳) آیت الله العظمی حکیم

از آیت الله سید محمدباقر حکیم شنیدم که اظهار داشتند: پدرم (آیت الله العظمی سید محسن حکیم) مرجع شیعیان می فرمودند: «سب و لعن بزرگ ترین مانع پیشرفت مذهب شیعه در جهان است».

نوع نگرش آیت الله سید محمدباقر حکیم به اصحاب از این قرار است:

«صحابیان مورد احترام همه مسلمانان قرار دارند اما در مورد برخی از آنان و موضعی که باید در قبال آنان اتخاذ نمود ابهاماتی به وجود آمده است».

صحابه در روزگار رسالت نقش مهمی در پاسداری از اسلام و تحکیم پایه های آن و فداکاریهای بزرگ در نگاهبانی از آیین محمدی (ص) داشتند.

موضع امام علی (علیه السلام) در قبال بزرگان اصحاب همواره با احترام و همکاری و گشاده رویی همراه بوده است، حضرت علی (علیه السلام) حتی در موردی که اختلاف نظر سیاسی یا فکری با آنان داشته اند، به خصوص پس از رحلت رسول اکرم (ص) از آن شیوه دست برداشتند. (۴۶)

۱۴) علامه شیخ محمدجواد مغنیه

علامه شیخ محمدجواد مغنیه لبنانی در تفسیر آیه ۳۶ سوره رعد می نویسد:

«وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكَرُ بَعْضَهُ» (۴۷)

و کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده ایم به آنچه سوی تو نازل شده شادمانند و بعضی از احزاب منکر پاره ای از آن هستند.

در اینکه مراد از «الذین آتیناهم الكتاب» چه کسانی هستند دو نظریه است:

۱. نظریه مفسران اهل سنت (مانند ابوحنیفه اندلسی، (۴۸) زمخشری، (۴۹) بیضاوی، (۵۰) مراغی، (۵۱) نسفی، (۵۲) حقی برسوی، (۵۲) جلالین، (۵۳) سید قطب، (۵۴) وهبه زحیلی (۵۵) و ... که می گویند مراد یهودیان و مسیحیانی هستند که به حضرت محمد (ص) ایمان آورده اند.

۲. نظریه مفسران شیعه چون طوسی، (۵۷) طبرسی، (۵۸) ابوالفتح رازی، که می گویند: مراد اصحاب پیامبر اکرم (ص) هستند که به پیامبر (ص) ایمان آورده اند و او را تصدیق کردند و قرآن به آنان عطا شد و آنان با نزول قرآن شادمان شدند. (۵۹)

استاد محمدجواد مغنیه در تفسیر خود می افزاید: بسیاری از

مزدوران قلم به دست که علیه شیعه کتاب می نویسند همواره شیعه را متهم به دشمنی با اصحاب پیامبر عظیم الشان اسلام می کنند در صورتی که اگر چنین بود مانند دیگران یهود و نصاری را مصداق: «الذین آتیناهم الكتاب» برمی شمردند و اصحاب پیامبر اکرم (ص) را مصداق «و من الاحزاب من ینکر بعضه» ذکر می کردند.

۱۵) شیخ عارف کامل شاه آبادی

امام خمینی (ره) در چهل حدیث خود نوشته اند: شیخ عارف ما می فرمودند: هیچ وقت لعن شخصی نکنید گرچه به کافری که نداند از این عالم چگونه منتقل شده مگر آن که ولی معصوم از حال بعد از مردن او اطلاع دهد زیرا که ممکن است در وقت مردن، مؤمن شده باشد پس لعن به عنوان کلی نکنید. (۶۰)

۱۶) امام خمینی (رض)

امام خمینی (ره) در مورد سب و لعن و مطاعن می فرمودند: «یکی جزوه می دهد و دیگری را لعن می کند و یکی جزوه می دهد و آن را تعریف می کند، هر دو امروز غلط است، دست از نادانی بردارید، خیانت به اسلام نکنید آنهایی که با اسلام دشمن هستند، شما را تحریک نکنند، این تفرقه امروز خیانت به اسلام است با هر اسمی که باشد» (۶۱)

۱۷) آیت الله خامنه ای

آیت الله سید علی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نمونه دیگری از عالمان نوع دوم هستند که همواره ادب و احترام صحابه را نگاه داشته اند و از جمله رهنمودشان به دانشگاه مذاهب اسلامی این است که:

سب بد است، ما نباید سب کنیم، امیرالمؤمنین فرمود: «أَنْتِي أَحِبُّ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»؛ «من دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید».

من با سب مخالفم، واقعاً وجهی هم برای سب کردن نمی بینم. این ادله ای که بعد از این چند سال بعضیها آمده اند چاپ و پخش کردند و پیش علما بردند که الا و لابد باید سب کرد، همه ادله ای سخیف و ضعیفی است، نباید سب کرد.

بنده وقتی در ایرانشهر تبعید بودم تقریباً نصف مردم این شهر سنی بودند، بیشتر از نصف هم شیعه بودند، اینها با هم زندگی و معامله می کردند وقتی ما به آنجا رفتیم جوانهای سنی هم در نماز ما شرکت می کردند و هم پای صحبت های ما می نشستند، تقریب و همزیستی یعنی این، نه اینها سب خلفا می کردند نه آنها به اینها اهانت می کردند. (۶۲)



رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتایی اعلام کردند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله تهمت زنی به همسر پیامبر اسلام (عایشه) حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سید الانبیا پیامبر اعظم - محمد مصطفی (ص) - می شود».

حضرت آیت الله خامنه‌ای این موضوع را در پاسخ به استفتایی مطرح کردند که در آن خواسته شده بود تا ایشان نظر خود را درباره «اهانت و استفاده از کلمات تحقیر آمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام ام‌المؤمنین حضرت عایشه» اعلام کنند.

این درخواست صدور فتوا از سوی جمعی از علما و فرهیختگان شیعه منطقه احساء عربستان سعودی ارائه شد. استفتا از آیت الله خامنه‌ای در پی توهین به عایشه توسط یاسر الحبيب روحانی شیعه کویتی صورت گرفت که با واکنشها و مخالفت‌های بسیاری رو به رو شد. در شدیدترین این واکنشها، کابینه کویت، این روحانی را سلب تابعیت کرد.

این موضوع باعث شد تا شیعیان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تحت فشارهای شدیدی قرار بگیرند.

خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی اولین رسانه‌ای بود که این فتوا را در بخش عربی خود منتشر کرده است.

سازمان تبلیغات اسلامی از جمله نهادهای زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است که رئیس آن نیز به طور مستقیم توسط ایشان تعیین می‌شود.

خبرگزاری مهر در بخش عربی خود می‌نویسد: حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی با صدور فتوایی، توهین به ام‌المؤمنین حضرت عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) یا نمادها و شخصیت‌های اسلامی اهل سنت را حرام اعلام کردند.

این خبرگزاری ادامه می‌دهد: فتوای رهبر انقلاب جدیدترین

و بالاترین واکنش در سطح شیعیان در محکومیت توهین شیخ یاسر الحبيب به حضرت عایشه است. دهها نفر از شخصیت‌های دینی شیعه برجسته در عربستان سعودی، ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس توهین و اسائه ادب به حضرت عایشه یا هر یک از همسران پیامبر اسلام را به شدت محکوم کرده‌اند.

پیش از این حجت الاسلام سید علی فضل الله فرزند ارشد علامه محمد حسین فضل الله نیز در گفتگو با روزنامه کویتی الرای اسائه ادب به حضرت عایشه را منع کرده بود. این خبر در رسانه‌های عربی به ویژه شبکه الجزیره بازتاب زیادی داشت. این شبکه ضمن تکرار این خبر در بخشهای خبری مختلف، در برنامه «ماوراء الخبر» با حضور این کارشناسان به بررسی فتوای رهبری انقلاب و نقش آن در وحدت و نزدیکی میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی پرداخت.

محمد البحرانی خبرنگار الجزیره در تهران نیز در همین زمینه در گزارشی با نشان دادن جدیدترین کتاب استفتائات آیت الله خامنه‌ای گفت: رهبر ایران بارها بر وحدت میان مذاهب اسلامی تأکید کرده است.

وی اضافه کرد: آیت الله خامنه‌ای همچنین در جدیدترین فتوای خود بدگویی و اسائه ادب به حضرت عایشه همسر پیامبر و شخصیت‌های اسلامی مورد احترام اهل تسنن را حرام اعلام کرده‌اند.

البحرانی افزود: رهبری ایران پیش از این نیز با صدور فتوایی، اقامه نماز شیعیان به امامت فردی سنی مذهب یا مشارکت در نماز جماعت برادران اهل تسنن را بدون مانع دانسته بودند.

این فتوا در رسانه‌های عربی بازتاب فراوانی داشت و از جمله روزنامه‌های الانباء کویت، سایت پر مخاطب محیط، روزنامه‌های السفير لبنان و الحیات چاپ لندن و سایت رادیو تلویزیون مصر به انعکاس آن پرداختند.

پی‌نوشتها

۱. فتوای آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۱۰ ش.
۲. روزنامه همشهری، ۱۳۸۹/۷/۱۴ ش.
۳. انعام، ۱۰۸.
۴. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۰۳؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۲، ط حلی؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۱۲.
۵. المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ج ۵، صص ۲۱۸-۲۲۰.
۶. الکامل، ابن اثیر، ج ۹، صص ۲۹۴ و ۲۹۵ و نیز رجوع شود به





۱۰. برخی از علمای دربار عثمانی، ایران را دارالحرب و غارت اموال شیعیان و اسیر گرفتن آنان و سایر احکام کفار را بر این مردم روا می‌شمردند.
۱۱. علمای جبل عامل در دوره صفوی.
۱۲. دائرة المعارف فارسی، مصاحب، ج ۲، ص ۱۶۸۳.
۱۳. الشیعة فی المیزان، محمدجواد مغنیه، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.
۱۴. این رساله در مجموعه‌ای به شماره ۲۳۸۴ از برگ ۱۸ تا ۳۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است به نقل از کتاب دین و سیاست در دوره صفوی، ص ۳۷۸.
۱۵. رجوع شود به کتاب، توحید کلمه، ج ۲، صص ۱۳۰-۱۳۳.
۱۶. قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۳۳؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ج ۱، ص ۴۱؛ فرایند مسئله وحدت اسلامی، دکتر امیر اردوش، ص ۱۲۲.
۱۷. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور، ج ۱، صص ۱۳ و ۱۴.
۱۸. انعام، ۱۰۸.
۱۹. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۲۱، ص ۳۰۶.
۲۰. اعتقادات، صدوق، باب تقیه.
۲۱. مجله درة النجف، جزوه چهارم و پنجم، سال اول، ۱ رجب ۱۳۲۸ ق به نقل از رساله دکتری فرایند تاریخی مسئله وحدت اسلامی، دکتر محمد حسین امیر اردوش، ص ۶۳۹.
۲۲. روزنامه جمهوری اسلامی ایران، چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۵ ش، شماره ۷۷۹، سال ۲۸، ص ۴.
۲۳. دیوان شریف رضی، ج ۱، ص ۵۷.
۲۴. الناصریات، ص ۱۴۰.
۲۵. همان، ص ۱۴۲.
۲۶. همان، ص ۲۱۹.
۲۷. همان ص ۳۱۰.
۲۸. تلخیص الشافعی، ج ۱، ص ۳۷، مقدمه بحر العلوم.
۲۹. الناصریات، ص ۴۴، مقدمه.
۳۰. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۹۲.
۳۱. الامام صادق، ابوزهره، صص ۲۶۰، ۴۴۸ و ۴۵۸.
۳۲. تلخیص الشافعی، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۴، مقدمه بحر العلوم.
۳۳. حیوة القلوب، مجلسی، ج ۲، ص ۶۲۱.
۳۴. رجوع شود به کتاب شیخ محمود شلتوت طلابه دار تقرب، صص ۱۰۳-۱۲۴.
۳۵. بقره، ۸۳.
۳۶. مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۳۳۶.
۳۷. کتاب النقض، عبدالجلیل قزوینی، ص ۴۸۱.
۳۸. الصلہ بین التشیع و التصوف، کامل مصطفی شبلی، ص ۱۰۷.
۳۹. مجله درة النجف، جزوه چهارم و پنجم، سال اول، ۱ رجب ۱۳۲۸ ق.
۴۰. همبستگی مذاهب اسلامی، صص ۹۴ و ۹۵.
۴۱. جنة المأوی، آیت الله العظمی کاشف الغطا و چاپ تبریز، ۱۳۸۰ ق، صص ۱۷۰-۱۷۲.
۴۲. المراجعات، شرف الدین، ص ۱۹.
۴۳. شرف الدین چاووش وحدت، مصطفی قلی زاده، ص ۱۴۴، به نقل از مجله آئینه پژوهش.
۴۴. مجله حوزه، شماره ۴۳.
۴۵. فصل الخطاب، خواجه محمد پارشاه، با مقدمه و تصحیح و تعلیق جلیل مسکر زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ ش، ص پانزده.
۴۶. وحدت اسلامی از دیدگان قرآن و سنت، آیت الله سید محمدباقر حکیم، ترجمه دکتر عبدالهادی فقهی زاده، ص ۱۹۷.
۴۷. رعد، ۳۶.
۴۸. التفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه، ج ۴، ص ۴۱۲.
۴۹. الکشاف، زمخشری، ج ۲، ص ۵۳۳.
۵۰. انوار التنزیل، ج ۲، ص ۵۲۲.
۵۱. تفسیر المراغی، ج ۵، ص ۱۱۲.
۵۲. تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۳۵۲.
۵۳. تفسیر روح البیان، ج ۴، ص ۳۸۲.
۵۴. تفسیر الجلالین، ج ۴، ص ۱۸۲.
۵۵. تفسیر فی ضلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۶۴.
۵۶. التفسیر المنیر، ج ۱۳، ص ۱۸۳.
۵۷. التنبیان، طوسی، ج ۶، ص ۲۶۰.
۵۸. مجمع البیان، طبرسی، ج ۴، ص ۱۸۲.
۵۹. روض الجنان، رازی، ج ۶، ص ۴۹۶.
۶۰. چهل حدیث، امام خمینی، ص ۴۵۶.
۶۱. بیانات امام خمینی، ۱۳۵۸/۴/۱۵ ش.
۶۲. بیانات مقام معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هیئت امناء دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۰/۱۲/۲۱ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

